



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اصفهان  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه فلسفه

## پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه گرایش غرب

### عینیت گرایی اخلاقی

استاد راهنما:  
دکتر غلامحسین توکلی

استاد مشاور:  
دکتر یوسف شاقول

پژوهشگر:  
فاطمه مهرباب زاده

شهریور ماه ۱۳۸۹

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج  
مطالعات، ابتکارات و نوآوری های  
ناشی از تحقیق موضوع این پایان  
نامه متعلق به دانشگاه اصفهان  
است.

به نام آغاز و پایان همه چیز  
به نام و یاد او شروع می کنم،  
در حالیکه چشم جانم به سوی لطف اوست  
دست های نیازم به سوی مدد او بلند است  
زبانم به شکر او مشغول  
قلبم به کمک او امیدوار  
دلّم به دست گیریش محکم  
پس به خود جرات داده و شروع می کنم  
با تمام ناتوانی و ضعف  
با همه فقر و احتیاج  
در اوج نیاز  
با وجود همه نقص ها  
آری آغاز می کنم تا وقت پایان

## تشکر و قدردانی

حال که به لطف و کرم خدای، این محمل به سر منزل رسیده است با دلی سرشار از خضوع و خشوع و مهر و عشق نسبت به ذات اقدس خداوندی، وی را شکر و سپاس می‌گوییم که شایستگی تحصیل و پوییدن راه علم و تحقیق را به من عطا فرمود. همچنین بر خود فرض می‌دانم مراتب تقدیر و قدردانی خالصانه و صمیمانه خود را تقدیم عزیزانی نمایم که بدون پشتیبانی و مساعدت‌های ایشان طی این طریق بسیار بعید و دشوار می‌نمود:

♦ استاد راهنمای بزرگوارم **دکتر غلامحسین توکلی** که پشتوانه غنی علمی، معنوی و اخلاقی ایشان توشه ارزشمندی بود که قرین این راه گردید. از ایشان بینهایت سپاسگزارم چرا که در مدت این دوره و همچنین در زمان تحصیلم و در همه حال درس‌های ارزشمند بسیاری از ایشان آموخته‌ام. امیدوارم که شایستگی حفظ سمت شاگردی ایشان را برای همیشه داشته باشم.

♦ جناب آقای **دکتر یوسف شاقول** در سمت استاد مشاور که به حق استادی دانشمند و ممتاز می‌باشند و به ویژه منش بزرگوارانه ایشان کم نظیر و ستودنی است.

- ♦ اساتید محترم داور و ناظر که نظرات ارزشمندشان بر غنای این پژوهش افزود.
- ♦ خانواده عزیزم که کمک‌های بیدریغشان پیمودن این راه را بر من هموار ساخت.

تقدیم به:

پدر بزرگوارم که در تمام مراحل زندگی  
مرا یاری داد

و

مادر مهربانم که موفقیت‌م را مدیون اویم

و

برادر عزیزم محسن

## چکیده:

اخلاق از حوزه های مهم زندگی است، فیلسوفان اخلاق در فلسفه اخلاق و همچنین در فرا اخلاق (یا اخلاق نقدي ویا اخلاق تحلیلي) با نگاهی فلسفي به بررسی مسائل مرتبط با اخلاق می پردازند، یکی از این مسائل مهم این است که آیا ارزش های اخلاقي دارای واقعيّت اند یا صرفاً ابداع انسان اند و به تعبیر دیگر آیا جملات اخلاقي صرفاً انشائي هستند و بیان خواست و احساسات گوینده اند یا اخباری هستند، یعنی قضیه اند و دارای مابازاء خارجي می باشند. حال روی این فرض که محمولات این قضایا عيني باشد، آیا عينيّت این قضایا به صورت عينيّت قضایاي تجربی می باشد یا عينيّت قضایاي اخلاقي از گونه ي دیگر است و اگر از گونه دیگر است این عينيّت به چه نحو می باشد؟

بحث عينيّت گرايي در اخلاق از یک حیث در وجودشناسي اخلاق و از حیث دیگر در شناخت گرايي طرح می شود. در عينيّت گرايي برخی شناخت گرا و برخی ناشناخت گرا هستند. شاخه اي از شناخت گرايي همان رئالیسم اخلاقي است. اما، غیررئالیست ها فکر می کنند، که ما در جهانی به سر می بریم که هیچ ارزش عيني در آن وجود ندارد و بنابر نظر این گروه، انسان تصورات خود را از ارزش های اخلاقي بر اساس اینکه انسان مخلوقی با احساس و نیاز و امیال خاص است بدست می آورد و بنابراین سرچشمه ارزش ها در خود انسان می باشد. در برابر غیرواقعی گرایان، واقعی گرایان اخلاقي هستند که مدعی اند ارزش های اخلاقي را باید در جهان خارج یافت و حقایق اخلاقي وجود دارند و ما می توانیم آنها را کشف کنیم و درستي و نادرستي اخلاقي یک امر به احساس ما درباره آن بستگی ندارد.

پژوهش حاضر با هدف شناخت نظریه واقعی گرايي اخلاقي، ارزیابی دلایل واقعی گرایان، آشنایی با انتقادات واقعی گرایان از دیدگاه های رقیب و نقد واقعی گرايي اخلاقي صورت گرفته است. این رساله با به کارگیری از روش توصیفي – تحلیلي و با استفاده از منابع کتابخانه اي، روزنامه ها و مجلات و اطلاعات اینترنتی انجام شده است. بر اساس یافته های این پژوهش واقعی گرایان اخلاقي استدلال می کنند که در عالم حقایق اخلاقي مستقل از باورها و احساسات، امیال و... وجود دارند و گزاره ها و احکام اخلاقي، گزاره های خبری هستند که دارای مابه ازاء خارجي هستند که خبر از واقعيّتي می دهند و قابلیت صدق و کذب را دارند. اما از نظر مخالفان واقعی گرايي، در عالم حقایق اخلاقي وجود ندارند و آنها صرفاً ابراز احساسات هستند و گزاره های اخلاقي انشائي هستند و قابلیت صدق و کذب را ندارند. واقع-گرايي با چهار چالش از طرف مخالفان خود روبه رو است که واقعی گرایان به این چالش ها به دو صورت نقدي و نقضي پاسخ می دهند و به گونه اي چالش های وارده را به مخالفان خود ارجاع می دهند.

**کلید واژه ها:** غیرواقعی گرايي اخلاقي، شناخت گرايي اخلاقي، عينيّت گرايي اخلاقي، نسبي گرايي اخلاقي.



## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول کلیات تحقیق

۱-۱-۱-کلیات.....	۱
۱-۱-۱-۱-کلید واژه ها.....	۱
۱-۱-۲- تبیین مساله پژوهشی و اهمیت آن.....	۲
۱-۱-۳- اهداف.....	۲
۱-۱-۴- پرسشها.....	۳
۱-۱-۵- پیشینه تحقیق.....	۳
۱-۱-۶- روش تحقیق و مراحل آن.....	۴
۱-۲-۱- فلسفه اخلاق.....	۴
۱-۲-۱-۱- دسته بندی تاریخی.....	۵
۱-۲-۲-۱- دسته بندی بر اساس روش.....	۵
۱-۳-۱- فرا اخلاق.....	۶
۱-۳-۱- وجودشناسی.....	۷
۱-۳-۲- معناشناسی.....	۹
۱-۳-۳- معرفتشناسی.....	۹
۱-۳-۴- روان شناسی.....	۱۱

### فصل دوم واقع گرایی، نقدها و پاسخها

۱-۲-۱- مقدمه.....	۱۲
۱-۲-۲- تعاریف واقع گرایی اخلاقی.....	۱۳
۱-۲-۳- عینیت گرایی اخلاقی.....	۱۹
۱-۲-۴- اختلاف عینیت گرایی با واقع گرایی.....	۲۱
۱-۲-۵- گزاره های اخلاقی.....	۲۴
۱-۲-۵-۱- تفاوت گزاره های اخباری با گزاره های انشائی.....	۲۴
۱-۲-۵-۲- اخباری یا انشائی بودن گزاره های اخلاقی.....	۲۵
۱-۲-۵-۳- تعریف پذیری مفاهیم اخلاقی.....	۲۸
۱-۲-۵-۴- موضوع و محمول گزاره های اخلاقی.....	۳۰
۱-۲-۵-۵- منشا احکام اخلاقی.....	۳۱
۱-۲-۶- خاصه های اخلاقی.....	۳۳
۱-۲-۶-۱- چگونگی واقعیات اخلاقی از نظر واقع گرایان.....	۳۷
۱-۲-۶-۲- نقد مغالطه طبیعت گرایانه مور.....	۴۰
۱-۲-۷- لوازم واقع گرایی و غیرواقع گرایی.....	۴۵
۱-۲-۷-۱- قابلیت صدق و کذب.....	۴۵
۱-۲-۷-۲- معیار برای معقولیت احکام اخلاقی.....	۴۶
۱-۲-۷-۳- کثرت گرایی اخلاقی، وحدت گرایی اخلاقی.....	۴۷

۴۷	۲-۷-۴- نسبی‌گرایی اخلاقی، مطلق بودن اخلاق.....
۴۸	۲-۸- تفاوت واقع‌گرایی انگلیسی و آمریکایی با ذکر دو تن از فیلسوفان به‌نام این رویکردها.....
۴۸	۲-۸-۱- تفاوت هستی‌شناختی.....
۵۳	۲-۸-۲- تفاوت معرفت‌شناختی.....
۵۷	۲-۸-۳- تفاوت در نظریه انگیزه.....
۵۹	۲-۸-۴- تفاوت در باب توجیه.....
۶۰	۲-۹-۱- چالش‌های واقع‌گرایی و واکنش واقع‌گرایان در برابر آن..
۶۰	۲-۹-۱- اختلافات اخلاقی.....
۶۰	۲-۹-۱-۱- پاسخ واقع‌گرایان به چالش اختلاف اخلاقی.....
۶۲	۲-۹-۲- چالش روان‌شناختی.....
۶۲	۲-۹-۲-۱- پاسخ واقع‌گرایان به چالش روان‌شناختی.....
۶۳	۲-۹-۳- چالش وجودشناختی.....
۶۵	۲-۹-۳-۱- پاسخ واقع‌گرایان به چالش وجود شناختی.....
۶۶	۲-۹-۴- چالش معرفت‌شناختی.....
۶۶	۲-۹-۴-۱- پاسخ واقع‌گرایان به چالش معرفت‌شناختی.....

### فصل سوم غیرواقع‌گرایی

۶۹	۳-۱- مقدمه.....
۷۰	۳-۲- ناشناخت‌گرایی.....
۷۸	۳-۲-۱- نقد ناشناخت‌گرایی.....
۸۱	۳-۳- تئوری خطا.....
۸۶	۳-۳-۱- نقد نظریه تئوری خطا.....
۸۸	۳-۴- ذهن‌گرایی اخلاقی.....

### فصل چهارم نتیجه‌گیری و پیشنهاد ادامه کار

۹۱	۴-۱- نتیجه‌گیری.....
۹۵	۴-۲- محدودیت‌ها.....
۹۵	۴-۳- پیشنهادات.....
۹۶	منابع و مأخذ.....
۱۰۱	منابعی برای مطالعه بیشتر.....



## فصل اول

### کلیات تحقیق

#### ۱-۱-۱- کلیات

##### ۱-۱-۱-۱- کلید واژه ها

- **غیرواقعی‌گرایی اخلاقی (Moral Non-Realism):** یک دیدگاه فرا اخلاقی می‌باشد و مدعی است، که عقاید اخلاقی ما مبتنی بر احساسات و تفکر می‌باشد و نه چیزی بیشتر. (Wikipedia.org)
- **عینیت‌گرایی اخلاقی (Moral Objectivism):** دیدگاهی فرا اخلاقی می‌باشد و ادعا می‌کند که حکم‌های اخلاقی به صورت گزاره‌ها بیان می‌شود و این گزاره‌ها درباره‌ی حقایق اخلاقی عینی و مستقل از عقاید آدمی می‌باشد. بنابراین عینیت‌گرایی، دیدگاهی در حوزه آنتولوژی است و عبارت است از این ادعا که از جمله حقایق موجود در عالم حقایق ارزشی است. (Wikipedia.org)
- **شناخت‌گرایی اخلاقی (Moral Cognitivism):** دیدگاهی فرا اخلاقی می‌باشد و مدعی است که حکم‌های اخلاقی دارای واقعیت عینی هستند، چون بخشی از خصوصیت جهان را توصیف می‌کند و می‌توان آن‌ها را شناخت. (Wikipedia.org)
- **نسبی‌گرایی اخلاقی (Moral Relativism):** دیدگاهی که مدعی است ارزش گزاره‌های اخلاقی و صدق و کذب و موجه بودن یا نبودن آن‌ها، تنها به خواست، تمایل، سلیقه و نگرش فرد یا جامعه‌ای که بدان‌ها معتقد است، وابسته است. (مصباح، ۱۳۸۴: ۱۷۲)

### ۱-۱-۲- تبیین مساله پژوهشی و اهمیت آن

اخلاق از حوزه‌های مهم زندگی است، فیلسوفان اخلاق در فلسفه اخلاق و همچنین در فرا اخلاق (یا اخلاق نقدی و یا اخلاق تحلیلی) با نگاهی فلسفی به بررسی مسائل مرتبط با اخلاق می‌پردازند، یکی از این مسائل مهم این است که آیا ارزش‌های اخلاقی دارای واقعیت‌اند یا صرفاً ابداع انسان‌اند و به تعبیر دیگر آیا جملات اخلاقی صرفاً انشائی هستند و بیان خواست و احساسات گوینده‌اند یا اخباری هستند، یعنی قضیه‌اند و دارای مابازاء خارجی می‌باشند.

حال روی این فرض که محمولات این قضایا عینی باشد، آیا عینیت این قضایا به صورت عینیت قضایای تجربی می‌باشد یا عینیت قضایای اخلاقی از گونه‌ی دیگر است و اگر از گونه دیگر است این عینیت به چه نحو می‌باشد؟

بحث عینیت‌گرایی (Objectivism) در اخلاق زیر مجموعه شناخت‌گرایی (Cognitivism) است. در آن بحث برخی شناخت‌گرا و برخی ناشناخت‌گرا (Non-cognitivist) هستند. شاخه‌ای از شناخت‌گرایی همان رئالیسم اخلاقی (Moral Realism) است. اما، غیررئالیست‌ها فکر می‌کنند، که ما در جهانی به سر می‌بریم که هیچ ارزش عینی در آن وجود ندارد و بنابر نظر این گروه، انسان تصورات خود را از ارزش‌های اخلاقی بر اساس اینکه انسان مخلوقی با احساس و نیاز و امیال خاص است بدست می‌آورد و بنابراین سرچشمه ارزش‌ها در خود انسان می‌باشد.

در برابر غیرواقعی‌گرایان، واقع‌گرایان اخلاقی هستند که مدعی‌اند ارزش‌های اخلاقی را باید در جهان خارج یافت و حقایق اخلاقی وجود دارند و ما می‌توانیم آن‌ها را کشف کنیم و درستی و نادرستی اخلاقی یک امر به احساس ما درباره آن بستگی ندارد.

### ۱-۱-۳- اهداف

- شناخت نظریه واقع‌گرایی اخلاقی.
- ارزیابی دلایل واقع‌گرایان.
- آشنایی با انتقادات واقع‌گرایان از دیدگاه‌های رقیب.
- نقد واقع‌گرایی اخلاقی.

### ۱-۱-۴ - پرسش‌ها

- آیا عینیت‌گرایی اخلاقی آنگونه که مطرح می‌شود قابل دفاع است؟
- میان نسبی‌گرایی و واقع‌گرایی چه نسبتی است؟
- آیا شناخت‌گرایی همان رئالیسم اخلاقی است؟

### ۱-۱-۵ - پیشینه تحقیق

بحث عینی‌گرایی از زمان افلاطون مطرح بوده است. در مورد عینی‌گرایی اخلاقی در غرب تحقیقات و بررسی

های بسیار انجام شده است:

- Russ. Shafer Landu, 2005, Moral Realism, Oxford University Press
- Hulsman. John, 2009, Lieven Anatol, Ethical Realism, Vintage
- Mccord. Geoffrey Sayre, 1989, Essays on Moral Realism, Cornell University Press
- Owen Brink. David, 1989, Moral Realism and the Foundations of Ethics, Cambridge University Press
- Bloomfield. Paul, 2001, Moral Reality, Oxford University Press

در ایران، سابقه بحث راجع به این موضوع جدید است و تنها در بخشی از کتب ترجمه شده در حوزه‌ی فلسفه

اخلاق (البته به صورت مختصر) و تنها در حد معرفی این نظریه اشاره شده است مانند کتب:

- مور جورج ادوارد، ۱۳۶۶، اخلاق، ترجمه‌ی اسماعیل سعادت، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول در کتاب فوق، دو فصل راجع به عینیت احکام اخلاقی وجود دارد.

- پاپکین ریچارد، استرول آوروم، ۱۴۰۸ ه.ق، کلیات فلسفه، ترجمه دکتر سید جلال‌الدین مجتوبی، انتشارات

حکمت، چاپ چهارم

در کتاب فوق، مولف ۶ صفحه به عینی‌گرایی و نقد آن پرداخته است.

- فوت فلیپا، ۱۳۸۲، نظریه‌های فلسفه اخلاق، ترجمه حسین کاجی، تهران، روزنه

در کتاب فوق نیز، مبحثی راجع به عینی‌گرایی وجود دارد.

- مک ناوتن دیوید، ۱۳۸۰، بصیرت اخلاقی، ترجمه محمود فتحعلی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام

خمینی

در کتاب فوق، مولف به بحث واقع‌گرایی اخلاقی پرداخته است.

همانطور که ملاحظه می‌شود به فارسی در مورد عینیت‌گرایی اخلاقی کار مستقلی صورت نگرفته است، لذا

در این پایان‌نامه سعی می‌شود، تا با تمرکز بر نظریات عینی‌گرایانه و جایگاه آن‌ها در اخلاق قرن ۲۰ به ارزیابی

دلایل عینی‌گرایان بپردازیم و آن‌ها را مورد تحلیل و نقد قرار دهیم.

## ۱-۱-۶- روش تحقیق و مراحل آن

توصیفی - تحلیلی، اسنادی - کتابخانه‌ای

گردآوری داده‌ها، استفاده از کتاب‌های فارسی، لاتین، اینترنت و مقاله

## ۱-۲- فلسفه اخلاق

اخلاق دانشی است عملی؛ دانشی که آموختن آن مقدمه‌ای است برای بکار بستن. اگرچه انسان به سبب اختیار تکوینی خود می‌تواند از دانسته‌های خویش در عمل سربتابد، این دانش برای آنانکه حقیقتاً در پی زندگی سعادت‌مندانه‌اند سودمند است. عالمان اخلاق همواره کوشیده‌اند ره‌جویان سعادت و کمال را راهنمایی کنند و این دانش را در اختیار آنان قرار دهند.

فلسفه در عصر حاضر به دو بخش کلی تقسیم شده است: فلسفه مطلق و فلسفه مضاف. فلسفه‌ی مطلق، کنکاشی است عقلی در هستی، مبادی و علل آن. و فلسفه مضاف بررسی فلسفی در یکی از شاخه‌ای علوم مانند تاریخ، علم، اخلاق و... را بر عهده دارد. فلسفه اخلاق، نام نوینی است بر موضوعی کهن که رگه‌هایی از مباحث آن را می‌توان در اندیشه‌ای فلاسفه‌ی بزرگ اسلام و یونان باز یافت. اما شکوفایی و رشد آن به مثابه دانش مستقل به یکی دو قرن اخیر در مغرب زمین باز می‌گردد.

«فلسفه اخلاق»<sup>۱</sup> ترکیبی از دو واژه است: واژه «فلسفه» به تنهایی یادآور دانشی نظری است که با روش عقلی ویژگی‌های کلی وجود را بیان می‌کند و واژه‌ی «اخلاق» صفات پایدار نیک و بد انسان را به خاطر می‌آورد و نیز به علمی که درباره صفات و رفتارهای شایست و ناشایست سخن می‌گوید، اطلاق می‌شود. به طور خلاصه می‌توان گفت: "فلسفه اخلاق پژوهشی است فلسفی و عقلی درباره مبادی تصویری و تصدیقی علم اخلاق." (مصباح، ۲۱:۱۳۸۴) یعنی فلسفه اخلاق، هم تصورات و مفاهیمی را که در علم اخلاق و گزاره‌های آن به کار می‌روند و هم مسائلی را که تصدیقات و جمله‌های اخلاقی، متوقف بر بررسی و حل آن‌ها می‌باشد، مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد.

<sup>۱</sup> - Ethics or Moral Philosophy

در موضوع اخلاق و فلسفه اخلاق در طول تاریخ مکاتب و دیدگاه‌های بسیار متعدد و متنوعی از سوی متفکران و فیلسوفان شرق و غرب پدید آمده است. این مکاتب و نظام‌های اخلاقی از سوی نویسندگان مختلف، به گونه‌های متفاوتی دسته‌بندی و تنظیم شده‌اند که به طور مختصر عبارتند از:

### ۱-۲-۱ - دسته‌بندی تاریخی

در بررسی مکاتب اخلاقی برخی نویسندگان توالی و تعاقب تاریخی آن‌ها را مورد توجه قرار داده‌اند. به این صورت که معمولاً از نظریه‌ی اخلاقی سقراط شروع کرده و سپس به ترتیب به بررسی نظریات اخلاقی افلاطون، ارسطو و سایر شاگردان و پیروان سقراط پرداخته و به همین ترتیب، پس از بیان نظریات و مکاتب اخلاقی یونان باستان به بررسی اخلاق مسیحی و اندیشمندان بزرگ قرون وسطی مبادرت می‌ورزند و در نهایت به بررسی نظریات اخلاقی در دوران جدید می‌رسند. به طور نمونه، می‌توان به کتاب تاریخچه فلسفه اخلاق اثر السدرمک اینتایر، یکی از مشهورترین فیلسوفان اخلاق معاصر اشاره کرد.

امتیاز دسته‌بندی تاریخی این است که ما را به خوبی با نظریات متنوع و متکثر اخلاقی و همچنین، هرچند به صورت تبعی و عارضی، تا اندازه‌ای ما را با فلسفه و راز پیدایش نظریات مختلف و گاه متضاد اخلاقی در میان اندیشمندان آشنا می‌کند.

اما نقص‌های روش دسته‌بندی تاریخی عبارتند از:

- اگر بخواهیم نظریات اخلاقی را بر اساس سیر پیدایش تاریخی آن‌ها بررسی کنیم در بسیاری از موارد لازم است که مباحث را تکرار کنیم.

- در دسته‌بندی تاریخی منشا اختلاف و پراکندگی مکاتب اخلاقی و علت اصلی تعدد و تکثر آن‌ها نیز چندان روشن نمی‌شود.

### ۱-۲-۲ - دسته‌بندی بر اساس روش

انواع پژوهش‌های انجام گرفته در باب اخلاق و نظریات اخلاقی، در سه دسته کلی جای می‌گیرد:



الف) پژوهش‌های توصیفی<sup>۱</sup>: این نوع پژوهش با کمک روش نقلی و تجربی به توصیف و گزارش اخلاقیات افراد، گروه‌ها و جوامع مختلف می‌پردازد و هدف آن صرفاً آشنایی با نوع رفتار و جامعه خاصی است. در این نوع پژوهش از هر گونه ارزیابی و ارزش‌دواری پرهیز شده و از درستی و نادرستی احکام و معیارهای اخلاقی بحثی به میان نمی‌آید.

ب) پژوهش‌های فرااخلاقی<sup>۲</sup>: در این نوع پژوهش با روش عقلی و فلسفی، به تحلیل و تبیین مفاهیم و احکام اخلاقی، از حیث معناشناسی، وجودشناسی، معرفت‌شناسی و روان‌شناسی پرداخته می‌شود. به عبارت دیگر فرااخلاق حوزه‌ای است که پژوهنده با اجتناب از تعهدات هنجاری، تحقیق در معانی دعاوی اخلاقی را با وجود آن که خود را به تحلیل زبان محدود نمی‌کند سرلوحه کار خود قرار می‌دهد و توجیه و توجیه‌پذیری دعاوی اخلاقی و مابعدالطبیعی و معرفت‌شناسی اخلاق را مدنظر دارد.

ج) پژوهش‌های هنجاری<sup>۳</sup>: در این نوع پژوهش اخلاقی، در حقیقت به دنبال معیاری برای تعیین حسن و قبح افعال اختیاری انسان هستیم، یعنی می‌خواهیم بدانیم که چه کارهایی را می‌توان متصف به حسن کرد و چه رفتارها و ویژگی‌هایی را می‌توان متصف به قبح نمود. هدف اصلی این نوع پژوهش هنجاری یا دستوری در باب اخلاق، در حقیقت، راهنمایی کردن افراد در تصمیم‌گیری‌ها و احکام مربوط به افعال اختیاری آنان در موقعیت‌های خاص است.

### ۱-۳- فرااخلاق

از بحث‌های مهم در فرااخلاق، بحث واقع‌گرایی و غیر واقع‌گرایی است که به توضیح آن می‌پردازیم: درباره حقیقت اخلاقی، نظریات متعددی از سوی فیلسوفان اخلاق مطرح شده است. برخی بر این باورند که احکام و جملات اخلاقی از سنخ جملات انشائی بوده و از هیچ واقعیت خارجی حکایت نمی‌کنند. در مقابل برخی دیگر بر این باورند که جملات اخلاقی از قبیل جملات خبری بوده و از عالم واقع حکایت می‌کنند. همانطور که گفته شد در پژوهش‌های فرااخلاقی چند محور اساسی مطرح است، یعنی مفاهیم و احکام اخلاقی در چند محور اساسی مورد بررسی قرار می‌گیرند که آن محورها عبارتند از: وجودشناسی، معناشناسی، روان‌شناسی و معرفت‌شناسی.

<sup>1</sup> - Descriptive

<sup>2</sup> - Para Ethics

<sup>3</sup> - Normative

### ۱-۳-۱ - وجودشناسی<sup>۱</sup>

بحث وجودشناسی بحث بر سر وجود ارزش‌های اخلاقی در جهان است که آیا این ارزش‌ها دارای وجود مستقل‌اند یا وجود مستقل ندارند؟ و چگونه وجود آن‌ها تبیین می‌شود؟ آیا همان‌گونه که، حقایق و اشیای مادی در عالم وجود دارد و همان‌طور که در هستی اموری همچون رنگ، بو و مزه یافت می‌شود و همان‌طور که اموری با نام انسان، درخت، کوه و... در عالم تحقق پیدا کرده است، چیزهایی به نام حقیقت اخلاقی وجود دارد یا خیر؟ آیا خوبی یا بدی اخلاقی یا درستی و خطای اخلاقی پا به عرصه هستی نهاده‌اند؟ اگر این امور وجود دارند وجودشان چگونه است؟

بدیهی است که نظر ما وجود اشیای خوب یا بد و یا اعمال درست و خطا نیست، بلکه سخن بر سر وجود داشتن یا وجود نداشتن خوبی و بدی و درستی اخلاقی است. مهمترین بحث در حوزه وجود شناختی اختلافاتی است که میان دیدگاه‌های واقع‌گرایانه و غیرواقع‌گرایانه وجود دارد.

واقع‌گرایی اخلاقی<sup>۲</sup> دیدگاهی است که به وجود امور واقعی که اعمال و اشیا در رابطه با آن‌ها، درست یا غلط، خوب یا بد می‌شوند معتقد است. بر طبق این دیدگاه صفات اخلاقی، صفات اصیل چیزها و کارها هستند. واقع‌گرایان ارزش‌های اخلاقی را بخشی از اجزاء جهان می‌دانند، در مقابل غیرواقع‌گرایان<sup>۳</sup> از پذیرش این مسأله ابا دارند، علاوه بر این واقع‌گرایان به شیوه‌ای که جهان خود را بر ما آشکار می‌سازد، اعتماد کامل می‌کنند.

اما غیرواقع‌گرایان معتقدند که هر جنبه از تجربه، تجربه واقعیت نیست؛ آن‌ها تجربه را مرکب از دو عنصر می‌دانند، عنصری که جهان واقع به تجربه بخشیده است و عنصری که ما انسان‌های صاحب تجربه به آن بخشیده‌ایم. پس اگر تجربه، کیفیاتی متفاوت از کیفیاتی که در نظریه‌های علمی وجود دارد به ما ارائه می‌کند، این کیفیات صرفاً مربوط به شان ظاهری تجربه است، نه اجزائی از جهان.

کسانی که می‌گویند ارزش‌های اخلاقی واقعیت دارند دو دسته‌اند:

- ارزش‌های اخلاقی دارای واقعیت آن جهانی هستند. (غیر مادی)

- ارزش‌های اخلاقی دارای واقعیت این جهانی هستند. (مادی)

<sup>۱</sup> - Metaphysics

<sup>۲</sup> - Moral Realism

<sup>۳</sup> - Anti Realism

از جمله فیلسوفان قائل به این که ارزش‌های اخلاقی دارای واقعیت آن جهانی هستند افلاطون می‌باشد. از نظر افلاطون معرفت به زندگی خوب، معرفت عقلی است همان‌گونه که حقایق و معارف ریاضی، حقایق عقلی هستند و بنابراین همان‌گونه که در ریاضیات بین انسان‌ها اختلاف‌نظری وجود ندارد، در این معارف هم اختلافی نباید وجود داشته باشد و اگر می‌بینیم انسان‌ها در این مورد اختلاف دارند بدین علت است که هنوز به معرفت عقلی صحیح در مورد زندگی خوب و سعتمندانه دست نیافته‌اند.

بنابراین براساس نظر افلاطون حقایق اخلاقی، حقایقی محض‌اند و در جهان خارج موجودند و عینیت و واقعیت دارند.

در قرون وسطی نیز افرادی قائل به این بودند که ارزش‌های اخلاقی دارای واقعیت آن جهانی می‌باشند. در آن زمان واقع‌گرایان کلیات<sup>۱</sup> و مفاهیم کلی (مانند انسان، کوه و ...) را دارای وجود حقیقی و عینی می‌دانستند. واقع‌گرایی قرون وسطی دارای دو رویکرد افراطی و معتدل بود، که در رویکرد افراطی شدیداً از آراء و افکار افلاطون تاثیر می‌گرفتند و معتقد بودند که هیچ‌گونه وابستگی‌ای برای این کلیات با اشیای خاص وجود ندارد. اما در مقابل، طرفداران رویکرد معتدل معتقدند بودند که این کلیات در ذهن خدا جای دارند. از جمله طرفداران رویکرد معتدل ویلیام اکام بود که معتقد بود ارزش‌های اخلاقی هستند، واقعیت دارند، اما جایگاه این ارزش‌ها در ذهن خدا می‌باشد. از این طرز تفکر تعبیر به اراده‌گرایی می‌کنند، در این طرز تفکر از آنجا که خدا قادر مطلق است، خواست او باعث می‌شود که هر چیزی وجود داشته باشد و محقق شود. اما افراد دیگری نیز بودند که معتقد بودند خوبی شیئیت ندارد، خوبی رابطه است و به جای گفتن اشیاء شبه روحانی، می‌توان گفت روابط شبه روحانی؛ زیرا کسانی بودند که می‌گفتند ارزش‌های اخلاقی اشیاء شبه روحانی هستند، خوبی شیئیت روحانی دارد.

توجه به این نکته حائز اهمیت است که تمام کسانی که قائل به این هستند که ارزش‌های اخلاقی دارای واقعیت هستند، برای این ارزش‌ها قائل به اطلاق و عام بودن هستند و معتقدند که ارزش‌های اخلاقی هم مطلق‌اند و هم عام هستند. مطلق‌اند یعنی در طول زمان تغییر نمی‌کنند و ثابت هستند. با توجه به مطلق بودن ارزش‌های اخلاقی، نسبی‌گرایی<sup>۲</sup> رد می‌شود.

<sup>۱</sup> - Universals

<sup>۲</sup> - Relativism

### ۱-۳-۲ - معناسناسی<sup>۱</sup>

معناسناسی عمدتاً حول محور تحلیل محمول گزاره‌های اخلاقی می‌چرخد چرا که مسائل این حوزه بیشتر ناشی از ابهام در محمول اخلاقی است. در حوزه‌ی معناسناسی، فیلسوف ارتباط نمادهای زبان‌شناختی با اشیای عالم را مطالعه و بررسی می‌کند. به بیان دیگر، معناسناسی "مطالعه نظام‌مند معناست" (Routledge concis Encyclopedia of Philosophy, 2000:816)

در معناسناسی علاوه بر معنای نمادها و چگونگی تغییر و تحول معنای آن‌ها، به انواع نمادها (هم چون علائم و واژگان) پرداخته می‌شود و از چگونگی انتقال معنا به وسیله این نمادها سخن به میان می‌آید و ارتباط میان نمادها و تاثیر این نمادها بر رفتار انسان نیز، از دیگر مباحث معناسناختی است. (Angeles, 1992:270) واقع‌گرایان معنا-شناختی معتقدند ارزش صدق جملات و گزاره‌ها و صادق یا کاذب بودن آن‌ها، مستقل از تعیین صدق و کذب آن‌ها از جانب ماست. (Gardiner, 2000:3) به عبارت دیگر صادق و یا کاذب بودن یک گزاره، از طریق ارتباط عینی میان آن جمله و گزاره با عالم خارج معین می‌شود؛ نه از دیدگاه‌های ذهنی آدمیان. به عبارت دیگر، هر جمله‌ای ارزش صدق معینی دارد، یعنی یا صادق است یا کاذب، حتی اگر راهی برای تعیین آن نداشته باشیم. این همان اصل دو ارزشی بودن<sup>۲</sup> صدق است که از آن به "واقع‌گرایی معناسناختی" تعبیر می‌شود.

در مقابل، غیرواقع‌گرایان معتقدند تعیین صدق و کذب گزاره‌ها به دست آدمیان محقق می‌گردد. غیرواقع-گرایان اصل دو ارزشی بودن صدق را منکرند، از دیدگاه غیرواقع‌گرایی سخن گفتن از حقایقی که راهی برای تایید آن‌ها وجود ندارد بی‌معناست، یعنی تا زمانی که ابزاری در دسترس نداشته باشیم تا به وسیله آن تصدیق یا تکذیب جمله را تضمین کنیم نمی‌توانیم بگوییم جمله صادق است یا کاذب است. (ذهن، ۱۳۸۴:۱۶۸)

### ۱-۳-۳ - معرفت‌شناسی<sup>۳</sup>:

در حیطه مسائل معرفت‌شناسی، بحث بر سر امکان حصول شناخت اخلاقی یا عدم آن است. آدمی همیشه با موضوعاتی هم‌چون ماهیت، قلمرو، منابع و حقانیت معرفت سروکار دارد. بر این اساس معرفت‌شناسی را می‌توانیم شاخه‌ای از فلسفه بدانیم که به بررسی ماهیت و چیستی شناخت آدمیان، منابع تحصیل و کسب این شناخت، قلمرویی که این شناخت به آن تعلق دارد و موجه بودن این شناخت می‌پردازد. (Angeles, 1922:117)

<sup>1</sup> - Semantics

<sup>2</sup> - Principle of bivalence

<sup>3</sup> - Epistemology